

استفاده از حروف عربي در تدوين زبان فارسی در دیدگاه سره گرایان ایرانی

استاد یار دکتر: حیدر علي خشان

دانشگاه کوفه/ دانشکده زبان / گروه زبان و ادبیات فارسی

ایمیل: haydera.aljanabi@uokufa.edu.iq

شماره تلفن: 07713897947

استخدام الحروف العربية في كتابة اللغة الفارسية في نظر المحافظين الإيرانيين

م.د. حیدر علي خشان

جامعة الكوفة/ كلية اللغات / قسم اللغة الفارسية

البريد الالكتروني: haydera.aljanabi@uokufa.edu.iq

رقم الهاتف: 07713897947

چکیده

این تحقیق مقالاتی را که توسط سره گرایان ایرانی نوشته و در وبسایت‌ها منتشر شده است، بررسی می‌کند. سره گرایان در این مقالات استفاده از الفبای عربی در نگارش فارسی کنونی را انکار می‌کنند. آنها این کار را با ارائه ایده‌ها و نظریه‌هایی برای پشتیبانی از این ادعا انجام می‌دهند. این تحقیق با تعریف سره گرایان ایرانی، جهت‌گیری‌های آنها و انواع ایده‌های آنها شروع شد. منبع تفکر آنها و دلیل ظهور این روند را توضیح داد. خلاصه‌ای از نمونه‌های مقالات منتشر شده آنها در این زمینه با تمرکز بر ادعاهای اصلی آنها ارائه شده است. سپس پژوهشگر به تاریخچه خط و الفبای عربی می‌پردازد و آن را با شواهد علمی پشتیبانی می‌کند. سپس نظرات مربوط به ریشه‌ها و توسعه نگارش عربی قبل از اسلام را توضیح داد و شواهدی از وجود نگارش در زمان پیامبر اکرم (ص)، تدوین قرآن و دلایل نقطه گذاری در زبان عربی ارائه داد. بعد از آن انتقال خط عربی به ایرانیان و استفاده از آن در نگارش زبان آنها را بررسی کرد. قبل از این، چکیده مختصری در مورد ریشه‌ی زبان فارسی، مراحل توسعه خط و اشکال مختلف آن در میان ایرانیان داد. مرحله فتح ایران توسط اسلام و پذیرش و توسعه خط عربی توسط ایرانیان آشکار سازد، خلق نمونه‌های عالی از خط عربی توسط ایرانیان ارائه شده است. سپس پژوهشگر تمام مطالب و داده‌ها را تجزیه و تحلیل کرد، آن را با ادعاهای مطرح شده در مقالات مقایسه و بررسی کرد و نظرات ارائه شده را رد کرد، که اکثر این ادعاها غیرعلمی و فاقد شواهد ملموس بودند. محقق از روش‌های تحقیق توصیفی، تاریخی، تطبیقی و تحلیلی استفاده کرد و به چندین نتیجه رسید که در پایان این مطالعه ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: حروف عربی، تدوین زبان فارسی، سره گرایان

پیشگفتار

جنبش سره‌گرایی در میان ملت ایران به علت نفوذ تفکر سره‌گرایی آلمانی ظهور کرد. پس از جنگ جهانی اول، جنبش‌های آزادی‌بخش در ایران ظهور شده بود و بخشی از ایدئولوژی آن بازگشت به علم، فرهنگ و تاریخ ایران، برای اینکه رهایی از فرهنگ‌های بیگانه و پاکسازی زبان فارسی از نفوذ زبان‌های بیگانه به طور کلی و زبان عربی به طور خاص بود. تفکر سره‌گرایان در ایران را می‌توان به دو گونه تقسیم کرد. گونه اول میان‌ه‌رو است که طرفداران آن باور داشتند جایگزینی ساده کلمات بیگانه با کلمات اصیل فارسی کافی است. ولی گونه دوم افراطی‌ها بودند، طرفداران آن صرفاً به جایگزینی کلمات بیگانه با کلمات ناب فارسی اکتفا نمی‌کردند. آنها از ایجاد کلمات کاملاً جدید فارسی و ریشه‌کنی کامل هرگونه نفوذ خارجی از زبان فارسی حمایت می‌کردند. این نفوذ شامل استفاده از الفبا و خط عربی در نگارش فارسی بود.

بر اساس این ایده‌ها، آنها به نگارش و نشر مقالاتی در وبسایت‌ها شروع کردند و ادعاهای خود را مبتنی بر انکار استفاده از الفبا و خط عربی در نگارش زبان فارسی کنونی ارائه دادند. آنها استدلال می‌کنند که الفبای کنونی از ایران سرچشمه گرفته است و عرب پس از فتح اسلامی از ایرانیان اقتباس کرده بودند. آنها همچنین ادعا می‌کردند که عرب‌ها قادر به تدوین قرآن نبودند تا زمان عثمان و پس از فتح ایران و تدوین از ایرانیان یادگرفتند. آنها همچنین ادعا کردند که عرب‌ها هیچ اثر یا کتیبه‌ای به زبان عربی قبل از اسلام یا در زمان پیامبر اکرم (ص) ندارند. این ادعاها، به همراه چندین مورد دیگر، در خلاصه مقاله در متن تحقیق ذکر شده است.

برای تأیید یا رد این ادعاها، پژوهشگر از روش‌های تحقیق علمی توصیفی، تاریخی، تحلیلی و تقابلی برای بررسی همه جنبه‌های موضوع استفاده کرد. اهمیت این پژوهش در این واقعیت نهفته است که بسیاری از نظرات علمی بر این آیده استوار است که منشأ این الفبا و خط عربی است. علاوه بر این، اهمیت این تحقیق در جنبه‌های علمی و فرهنگی آن، که ریشه‌های الفبا و خط مورد استفاده در نگارش فارسی کنونی را روشن می‌کند و هویت فرهنگی و عمق تاریخی مردمی را که از این الفبا استفاده می‌کنند، برجسته می‌کند.

پژوهشگر با تعریف جنبش سره‌گرایی، ریشه‌های فکری آن و اشکال مختلف بیان آغاز کرد. سپس خلاصه‌ای از مقالات منتشر شده توسط نویسندگان سره‌گرایی ایرانی که در آن استفاده از الفبا و خط عربی را برای نگارش زبان فارسی انکار می‌کنند، ارائه داد. تاریخچه الفبا و خط عربی را بررسی شد، سپس سیر تحول آنها را قبل از اسلام دنبال کرد و کتیبه‌ها و آثار باستانی اولیه عربی را بررسی نمود. همچنین در مورد نگارش در اوایل دوره اسلامی و تدوین آیات قرآن در زمان پیامبر اکرم (ص)، تدوین قرآن پس از وفات ایشان و تکامل خط اسلامی، از جمله گذاشتن نقطه گذاری (اعجام) بررسی کرد. مروری مختصر بر ریشه زبان فارسی و الفبا و خط اصلی آن در طول دوره‌های تاریخی ارائه شد که در نهایت به پذیرش الفبا و خط عربی برای نگارش فارسی پس از ظهور اسلام منجر شد. پژوهشگر پس از پرداختن به همه این نکات، داده‌ها را تجزیه و تحلیل کرد و آنها را با ادعاهای سره‌گرایان ایرانی مقایسه کرد. این تحقیق با عده‌ای از نتایج به پایان رسید که در آخرش ارائه شده است.

مسئله تحقیق:

ادعای سره‌گرایان ایرانی مبنی بر اینکه الفبا و خط مورد استفاده برای نوشتن فارسی کنونی از الفبا و خط عربی گرفته نشده است.

اهمیت تحقیق:

تعیین منشأ واقعی الفبا و خط مورد استفاده برای نوشتن فارسی کنونی، ارائه حقایق تاریخی و علمی و اثبات هویت فرهنگی این الفبا.

مطالعات قبلی:

هیچ مطالعه تخصصی در این زمینه یافت نشد. با این حال، برخی از کتابها در مطالب خاصی اشاره می‌کنند که الفبا و خط مورد استفاده برای تدوین زبان فارسی کنونی از الفبا و خط عربی گرفته شده است. این کتابها در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و در فهرست منابع یادداشت شده‌اند.

اهداف تحقیق:

۱. تعیین اعتبار ادعاهای مطرح شده توسط نویسندگان سره‌گرایان در مقالاتشان.
۲. تعیین منشأ الفبا و خط مورد استفاده برای تدوین زبان فارسی کنونی.
۳. بررسی منشأ و توسعه الفبا و خط عربی قبل و بعد از اسلام.

روش تحقیق:

پژوهشگر با روش تحقیق توصیفی-تاریخی به بررسی منشأ و توسعه الفبا و خط عربی و همچنین توضیح مراحل توسعه تدوین در ایران قبل و بعد از اسلام پرداخت. همچنین از روش تحقیق تقابلی برای مقایسه الفبا و خطوط فارسی و عربی بکار برده است. علاوه بر این، از روش تحقیق تحلیلی برای تحلیل مطالب ارائه شده و در یافته‌های تحقیق و بررسی در مورد آنها با ادعاهای نویسندگان ایرانی برای رسیدن به نتیجه‌گیری استفاده شد.

سره گرایان:

گروهی از افراد علاقه‌مند به استوار و ترویج زبان فارسی هستند، یا به طور گسترده‌تر، تلاش در فارسی‌سازی هر آنچه که مربوط به زبان فارسی است دارند و در همه زمینه‌ها به آن تکیه می‌کنند. این گروه دائماً بر غنی‌سازی زبان و ادبیات فارسی با واژگان ناب فارسی تمرکز دارند و با کاربرد هرگونه واژگان بیگانه در زبان خود مخالفند. آنها حتی وام‌گیری از زبان‌های دیگر را نیز رد می‌کنند. این گروه همچنین در پی ترویج زبان و ادبیات فارسی، حمایت از توسعه آموزش زبان فارسی و حمایت از ایده اصالت فارسی در تمام جنبه‌های زبان فارسی است. علاوه بر این، آنها با هر نوع نشانه‌ای از تأثیرپذیری زبان فارسی از زبان‌های دیگر مبارزه می‌کنند و حداکثر سعی خود را برای از بین بردن این تأثیرات به کار می‌گیرند و ادعا می‌کنند که زبان فارسی باید در تمام جنبه‌های خود ناب باشد (اصیل، ۱۳۷۶: ۸۱۵-۸۱۶).

در طول جنگ جهانی اول، ایران از هر سو محاصره شده بود: روس‌ها در شمال، بریتانیایی‌ها در شرق و جنوب و عثمانی‌ها در غرب. این نفوذ به داخل ایران گسترش یافت و بر ثبات داخلی آن تأثیر گذاشت. پس از پایان جنگ جهانی اول، جنبش‌های آزادی‌بخش بسیاری در ایران ظهور کردند که باور داشتند آزادی از طریق ایدئولوژی ملی‌گرایانه حاصل می‌شود. به احتمال زیاد ایرانیان تحت تأثیر ایده‌های ملی‌گرایی آلمان قرار گرفته و این امر زمینه ساز ظهور افکار ملی‌گرایی ایرانی بوده است (اردکانی، ۱۳۸۶: ۷۹۷).

در قرن سیزدهم هجری قمری، جنبشی در ایران پدیدار شد که خواستار استفاده از کلمات فارسی به جای واژگان بیگانه به ویژه عربی بود. این جنبش سپس در دوران سلطنت

سلطان ناصرالدین شاه توسعه یافت و به انقلابی علیه واژگان بیگانه و تأثیر زبان‌های خارجی، به ویژه عربی بر زبان فارسی تبدیل شد. آنها همچنین برای مقابله با این تأثیر به تکیه بر دانش تاریخی باستانی و شور ملی‌گرایانه روی آوردند (اصیل، ۱۳۷۶: ۸۱۵).

سره‌گرایی به دو نوع منقسم گرداند:

۱. گروه معتدل که عقیده داشتند به جای واژگان بیگانه (به ویژه عربی) می‌بایست واژه‌های اصیل فارسی بکار می‌برد و هیچ نیازی به ساخت واژه‌های جدید نداشته است.
۲. گروه افراطی که سره‌گرایی بسیاری جدیدتر از گروه اول کرده‌اند؛ به طوری که در فرایند تبدیل واژگان بیگانه به فارسی، به ساخت واژه‌های نو نیز اقدام کرده‌اند.

امروزه جمعیت با امتداد این گروه افراطی روبرو شد، زیرا مشاهده می‌شود که آنها به هر راهی سعی در حذف هر شکل تأثیر یا سهم هر زبان دیگری در زبان فارسی، به ویژه عربی، دارند. این امر به وضوح در مسئله استفاده از خط عربی برای تچوین زبان فارسی مشهود است، جایی که ظاهر می‌شود تعدادی از آنها مقالاتی در این زمینه نوشته‌اند و تلاش در انکار هر شکل ارتباط میان زبان عربی و خط آن و تچوین زبان فارسی کنونی دارند. در این وقت محققان با گسترش این روند مواجه می‌شوند، چرا که شاهد تلاش گروهی برای حذف هرگونه تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی شد. آنها مقالات زیادی را در وبسایت‌ها منتشر کرده‌اند که هدف آنها انکار استفاده از حروف عربی در تدوین زبان فارسی است. لازم به ذکر است که آنها ادعاها و ایده‌های را همانطور که در وبسایت ارائه می‌دهند که به طور خلاصه در موارد زیر توضیح شدند:

ایران مهر (۱۳۹۲) حمیر، انبار و حیره که تحت حکومت ایرانیان بود و حیره بعدها به کوفه معروف شد، عرب‌ها این خط از آنها را آموختند. این خط همچنان کوفی نامیده می‌شد. پیش از این، عرب‌ها نوشتن نمی‌دانستند و این خط در اصل فارسی است. عرب‌های حجاز خط فارسی را پذیرفتند و از آن برای نوشتن زبان عربی خود استفاده کردند. بنابراین، این خط فارسی است، اما برای تدوین زبان عربی استفاده می‌شد. همچنین ادعا می‌کرد که دربار ساسانی حروف (ث، ح، ط، ظ، ص، ض، ع، ق) اختراع کرد و آنها را به زبان خود اضافه کرد تا تعامل با استان حیره را تسهیل کند و بدین ترتیب الفبای فارسی را به ۳۲ حرف رساند. همانطور که امروزه می‌دانیم، الفبای عربی ۲۸ حرف دارد زیرا همان الفبای فارسی به جز (پ، چ، ژ، گ) است. علاوه بر این، یکی از دلایلی که عرب‌ها الفبا نداشتند این است که آنها قرآن کریم را در زمان عثمان گردآوری کردند و قبل از آن تاریخ هیچ نسخه خطی یا حکاکی سنگی نداشتند. اضافه به این که نوشتن از کشورهای متمدن سرچشمه می‌گیرد و عرب‌ها مردمانی کوچ‌نشین هستند که در بیابان‌ها پراکنده زندگی می‌کنند و تمدنی ندارند. با این حال، نبطی‌ها نوشتن را از امپراتوری ایران آموختند و آن را به حیره منتقل کردند و از آنجا پس از فتح اسلامی به حجاز گسترش یافت.

مسلمی (۱۳۹۲) وجود چهار حرف فارسی دلیلی بر عربی نبودن این خط است. و اینکه قرآن کریم در زمان خلیفه عثمان نوشته شده، گواهِ بر این است که عرب الفبا و خط نداشتند و پس از فتح ایران، آن را از ایران گرفتند. همین‌طور خط پهلوی اوستیاتی به عنوان عامل توسعه خط عربی شناخته می‌شود. اضافه به این عرب حجاز خواندن و نوشتن نمی‌دانستند. و خط عربی از خط نبطی گرفته شده است که آن هم از آرامی‌ها گرفته شده است، آرامی‌هایی که عرب‌های از شمال شبه جزیره عربستان بودند و هیچ ارتباطی با عرب حجاز نداشتند. همین‌طور هخامنشیان هر قوم را به زبان خودشان

خطاب می‌کردند و هنگامی که آرامی‌ها تحت فرمان آنها بودند، به آنها به زبان آرامی می‌نوشتند. این بدان معناست که ایرانیان پیش از عرب مسلمان از خط آرامی استفاده می‌کردند و آن را از آنها اقتباس نکرده بودند. و عرب خط مخصوص به خود را نداشتند و خطی که از حمیر و انبار به آنها رسیده بود، بکار برده اند. از آنجایی که آثار نوشته شده با این خط عربی هستند، به آن خط عربی گفته می‌شود.

اما مهرآبادی، (۱۴۰۱) ادعا می‌کند که زبان فارسی توسط رودکی و فردوسی از واژه های عربی پالایش یافته است، تمام واژگان فعلی آن فارسی هستند، حروفی که اکنون برای تدوین فارسی استفاده می‌شوند عربی نیستند، پادشاهان ایران با هر قوم به زبان خودشان مکاتبه می‌کردند - به این معنی که آنها قبل از عرب مسلمان زبان آرامی بکار بردند - و علاوه بر این، عرب پس از فتح اسلامی، نوشتن را از ایرانیان آموختند. و زبان عربی در ابتدا با الفبای فارسی نوشته می‌شد. اضافه به این حافظ و سعدی به زبان فارسی آسیب رساندند، زیرا در شعر خود واژگان عربی بکاربردند و به زبان عربی شعر سرودند.

همین طور خراسانی (۱۴۰۴) از نظر ارائه ایده‌ها هیچ تفاوتی با نویسندگان قبلی ندارد. که خلاصه آن به شرح زیر است: گواه اینکه الفبای امروزی ریشه فارسی دارند این است که زبان عربی چهار حرف مخصوص زبان فارسی را ندارد. بنابراین، زبان عربی در ابتدا با حروف فارسی نوشته شده، و پس از فتح اسلامی، زبان فارسی مجدد با الفبای عربی نوشته شد. از آنجایی که فاقد چهار حرف فارسی بود، این امر منجر به تغییر در تلفظ عده ای از کلمات فارسی شد که حاوی صداهای آن چهار حرف بودند و همین طور باعث مردن یا منسوخ شدن این کلمات شد.

منشأ خط عربي

زبان عربي يكي از زبان‌هاي سامي است كه گويشوران آن پس از انتشار سامي‌ها، كه در مناطق مختلف پخش شدند و در نتيجه زبان سامي آنها به چند زبان تقسيم شد، در شبه جزيره عربستان ساكن شدند (زيدان، ۱۹۸۲: ۲۷).

يمنيها هم عرب بوده اند، الفبايي استفاده مي‌كردند كه آنرا مسند ناميده مي‌شود و معتقد بودند كه وحى بر كاتب هود با آن الفبا نازل شده . ولي اكتشافات آثار باستاني و تحقيقات دانش زبانشناسي ثابت كرده كه خطو الفباي فينيقي مصدر خطوط و الفباي سامي است و آرامي و مسند و انواعش : صفوي ، ثمودي ، لحياني در شمال و حميري در جنوب از آن مشتق شده . و خط نبطي در حوران و سطرنجيلي سرياني در عراق از آرامي استنباط گرديده و اين دو خط اصل خط عربي ميباشند از خط نبطي شكل نسخ به وجود آمده و از خط سطر نجيلي سرياني شكل كوفي زاييده شده كه پيش از اسلام به حيري منسوب به حيره معروف بود (بهرروز، ۱۳۵۹: ۲۳).

محققان الفباي عربي را به اشكال منقرض و موجود تقسيم كرده‌اند. اشكال منقرض شده فقط در برخي از كتبه‌هاي صفائي، ثمودي و لحياني باقي مانده‌اند (جواد، ۱۹۵۰، ج.۱: ۱۹۹) كه نشان مي‌دهد آن ملت‌ها به عربي صحبت مي‌كردند. اشكال موجود، آن‌هايي هستند كه توسط عرب در عصر حاضر صحبت مي‌كنند و محققان در مورد ريشه‌هاي آنها، محل توسعه و اينكه عرب آنها را از چه كسي آموخته‌اند، اختلاف نظر دارند. نظرات در اين مورد متعدد است، از جمله موارد زير:

دیدگاه وحی الهی، امر تدوین را به الهام الهی یا به دستور خداوند متعال نسبت می‌دهد. و اولین کسی که عربی، سریانی و سایر خطوط را تدوین کرد، حضرت آدم علیه السلام بود. او می‌گوید که آدم بر روی گل نوشت و سپس آن را سوزاند. هنگامی که طوفان جهان را فرا گرفت، هر ملت خطی پیدا کرد و آن را نوشت. پیغمبر اسماعیل علیه السلام خط عربی را پیدا کرد. پس از این مقدمه، احمد بن فارس در ادامه می‌گوید که خط عربی از جانب خدا وحی شده است (ابن فارس، ۱۹۹۷: ۱۳۸) و این نظر را با آیه زیر تأیید می‌کند: ﴿قُرْأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)﴾ (علق) عقیده هست که حضرت ادريس یا حضرت اسماعیل اولین کسی بودند که الفبای عربی را آموزش دادند. (قلقشندی، ۱۴۰۶. ج. ۱: ۷۲).

گفته شد کسی که الفبای عربی را ابداع کرد، مردی از قبیله بنی‌یخلد به نام النضر بن کنانه بود و عرب‌ها آن برای نوشتن بکاربردند (ابن الندیم، ۱۹۷۱: ۸). عقیده هست که اولین کسانی که آن را وضع کردند، نفیس، نصر، تیم و دومه از فرزندان اسماعیل بودند. آنها یک خط واحد ایجاد کردند و آن را در یک خط پیوسته با حروف متصل نوشتن (ابن فارس، ۱۹۹۷: ۸). همچنین گفته شده است که زبان عربی از گویش‌های حمیر، طسم، جدیس، ارم و حویل ناشی شده است. اینها عرب‌های اصیل بودند. وقتی اسماعیل در حرم ساکن و بزرگ شد و با قبیله جرهم، به ویژه قبیله معاویه بن مُصَحَّد جُرهمی که عموهای مادری فرزندان او بودند، ازدواج کرد، زبان آنها را آموخت (همان: ۷، قلقشندی، ۱۴۰۶. ج. ۳: ۸). اعتقاد دیگری هم هست که سه مرد از قبیله طی - مرامیر بن مُرّه، اسلم بن سیدره و عامر بن جدره - در مکانی خاص با هم ملاقات کردند و این الفبا را ابداع کردند و املائی عربی را بر اساس املائی سریانی تأسیس نهادند. برخی از افراد انباری آن را آموختند و عرب‌ها آن را از آنها اقتباس کردند (ابن الندیم، ۱۹۷۱: ۷-۸).

عده ای از نظرات در مورد منشأ خط عربی وجود دارد. ممکن است نزدیک‌ترین به حقیقت، دیدگاهی باشد که مورد توافق محققان و شرق‌شناسان است، مبنی بر اینکه خط عربی از خط نبطی اقتباس شده است و عرب آن را قبل از اسلام از پسرعموهای نبطی خود گرفته‌اند (جمعه، ۱۹۶۹: ۱۷). نبطی‌ها اقوام عربی بودند که از شبه جزیره عربستان مهاجرت کردند و در مناطق آرامی فلسطین، جنوب سوریه و اردن پناه کردند (الجبوری، ۲۰۰۰: ۱۸). نبطی‌ها الفبای خود را از آرامی‌ها، مردمی که به آنها حمله کرده بودند، اقتباس کردند. محققان عموماً بر این باورند که وقتی نبطی‌ها با آرامی‌ها تعامل داشتند و شروع به یادگیری خط آنها کردند، حروف آرامی را نوشتند که بیشتر شبیه خط‌خطی بود تا نوشتن واقعی. این به دلیل سختی این قبایل (نبطی‌ها) در تقلید و کپی کردن حروف بود. علاوه بر این، آینه‌ها را با کمی تغییر می‌نوشتند که به سختی با اصل مطابقت داشت. نسل‌های بعدی نبطی‌ها این سیستم خط‌خطی را با سختی مشابهی آموختند و تقلید از آن را نیز چالش‌برانگیز یافتند. آنها حروف را به شکلی حتی خط‌خطی‌تر و کمی دورتر از اصل می‌نوشتند. این قابل انتظار است، زیرا خطوط اقتباس شده هرگز کاملاً شبیه یا مطابق با اصل نیستند با آن متفاوت است، به ویژه اگر گوینده یا مقلد از اصل دور و نسبت به آن ناآگاه باشد. بدین ترتیب، کتابت آنها به تدریج از اصل آرامی دور شد تا اینکه از آن متمایز شده بود و خود را از یوغ آن رها کرد و به کتابت نبطی معروف شد (نامی، ۱۹۳۵: ۲۵) بعضی زبان‌شناسان این دیدگاه پشتیبانی می‌کند، چون می‌گویند بیشتر حروف و اشکال خط عربی شبیه به حروف و اشکال خط نبطی متأخر است. (جمعه، ۱۹۶۹: ۱۷، جواد، ۱۹۵۰: ۱۸۸) شاید این دیدگاهی باشد که بیشترین شواهد مادی از آن پشتیبانی می‌کنند. محققانی که این دیدگاه را داشتند، آن را بر اساس کتیبه‌های نبطی بنا نهادند که ارتباط بین خط عربی و نبطی را توضیح می‌کرد. این کتیبه‌ها به شرح زیر خلاصه می‌شوند:

یکم کتیبه ام الجمال: تاریخ این کتیبه به سال ۲۵۰ میلادی برمیگردد و جای آن در جنوب حوران، در شرق اردن، یافت شده است. این کتیبه شامل حروف غیرمرتبط و حروفی شبیه به خط کوفی است. این کتیبه به زبان آرامی نوشته شده و شامل نام‌های عربی است. قبایل عرب شمالی از زبان آرامی برای نوشتن استفاده می‌کردند. (جواد. ۱۹۵۰: ۱۸۹).

دوم کتیبه نماره: تاریخ این کتیبه به سال ۳۲۸ میلادی برمیگردد این کتیبه در منطقه نماره، یک کاخ کوچک رومی در نزدیکی دمشق، قرار شد. این کتیبه به مقبره امرءالقیس بن عمرو، یکی از امرای حیره، اشاره دارد. این کتیبه به خط نبطی نوشته شده است که با حروف کج و خطوط روان مشخص می‌شود. خط نبطی نوعی از خط آرامی است که خط عربی از آن استنباط شده است (وافی. ۱۹۴۴: ۸۰). از ویژگی‌های متمایز آن می‌توان به کج بودن برخی حروف و نحوه تچوین حروف خاص در انتهای کلمه اشاره کرد که با حروف مشابه خود در آغاز یا وسط کلمه متفاوت است. این کتیبه اولین و قدیمی‌ترین کتیبه شناخته شده نوشته شده به گویش عربی شمالی است که به گویش قرآن نزدیک است، اگرچه به خط نبطی متاخر نوشته شده است. این موضوع ارتباط بین خط نبطی و خط عربی را تأیید می‌کند، که در آن برخی حروف در آغاز و انتهای کلمه متفاوت هستند و شبیه به خط قرآن کریم است (جواد. ۱۹۵۰: ۱۸۹).

سوم کتیبه زبد: تاریخ این کتیبه به سال ۵۱۲ میلادی برمیگردد این کتیبه به سه زبان یونانی، سریانی و عربی تدوین شده است. این کتیبه بین قنّاسرین و رود فرات یافت شده است. متن عربی کاملاً عاری از تأثیر آرامی نبوده است. (همان. ۱۹۰، القیسی. ۲۰۰۸: ۱۳).

در قرن‌های سوم و چهارم میلادی، دیده می‌شود که خط نبطی دستخوش تحول تند و چشمگیری شد، تا جایی که ویژگی نبطی خود را از دست داد و ویژگی عربی

به خود گرفت. این امر به وضوح در کتیبه‌های این دو قرن، مانند کتیبه‌های سینائی تاریخ‌دار و کتیبه نماره، ظاهر است. در قرن‌های پنجم و ششم میلادی، خط نبطی کاملاً ناپدید و محو شد، اما روح آن مانده و در خطی دیگر، یعنی خط عربی پیش از اسلام، همانطور که در کتیبه‌های زبد و حران آشکار می‌شود، دوباره متولد شد (نصار، ۱۹۵۴: ۱۹). بر اساس کتیبه‌های یافت شده، اکثر محققان و شرق‌شناسان با این دیدگاه عقیده داشتند که نبطی‌ها قومی عرب بودند که تحت تأثیر خط آرامی قرار گرفتند. سپس آنها خط جدیدی را از خط آرامی استخراج کردند.

در مورد نام آن (ابجدی)، آن را به ترتیب معروف سامی، (ابجد هوز...) و غیره نسبت می‌دهند. نام آن، (الفبا)، به حروف اول و دوم این حروف نسبت داده می‌شود. این نام اخیر در زبان‌های غیر از عربی رایج است. به عنوان مثال، در انگلیسی، می‌گویند (alphabet) شاید این نشان می‌دهد که همه این الفباها از الفبای سامی گرفته شده‌اند. در واقع، یکی از خاورشناسان ادعا می‌کند که کلمه مذکور (alphabet) خود از نام‌های سامی برای دو حرف اول الفبای سامی گرفته شده است (اولمان، ۱۹۸۶: ۴۰).

خط عربی بعد از اسلام

کسانی که تاریخ خط عربی را بررسی کردند، معتقدند که خط مکه از خط نبطی حیره (که به آن انبار نیز می‌گویند) گرفته شده است و تفاوت چندانی با آن ندارد، به ویژه هنگامی که (نبطی) به مرحله نهایی آن اشاره داشته باشد. در واقع، عرب قبل از اسلام با خطی که اصحاب پیامبر در اوایل اسلام از آن استفاده می‌کردند، یعنی خط مکه، می‌نوشتند (محمود، ۱۹۹۲: ۱۶۱). خط انباری حیری بعد از انتقالش به حجاز، خط حجازی نامیده شد که خود اصل خط نسخ است؛ هنگام ظهور اسلام عده کمی از عرب

و ده دوازده نفر از قریش این خط را می‌شناسند و نوشتند. وقتی حضرت پیغمبر در جنگ بدر به قریش غلبه کرد و عده ای از آنان را به اسارت گرفت در میانشان عده ای از کسانی بودند که نوشتن میدانستند، حضرت پیغمبر قبول کرد که هر کدام از آنان به ده تن از کودکان مدینه آموزش بکنند، آزادش کند، بدین رو نوشتن در میان مسلمانان رواج یافت و هنوز نزول قرآن تمام نشده بود که پیغمبر بیش از ۴۰ نفر نویسنده داشت (بهرروز، ۱۳۵۹: ۲۳-۲۴).

خط کوفی همان خط مکی است که وقتی کوفه بعد از اسلام مرکز علم و زبان عربی شد، کوفی نام گرفت. این امر مانع از این واقعیت نمی‌شود که مردم کوفه بعدها از این خط، خط دیگری را توسعه دادند که بیشتر به شکل مربع نزدیک بود و تا به امروز منتسب به مردم کوفه شناخته شده. دلیل این امر این است که عرب حجاز دو نوع خط را از نبطی‌ها گرفتند، یکی نزدیک به گردی و دیگری متمایل به مربعی. از این دو خط نسخه‌های خطی عربی، برخی مقعر یا گرد و برخی مربعی پدید آمدند (محمود، ۱۹۹۲: ۱۶۲).

مسلمانان اولیه با تشویق پیامبرشان (ص) و با انگیزه آموزه‌های قرآن کریم که جایگاه نوشتار را ارتقا می‌داد، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ﴾ (بقره، ۲۸۲). علاوه بر قرآن کریم و سنت، پیامبر (ص) پیمان‌ها و معاهدات متعددی را با قبایل درون و برون از مدینه منعقد کردند. این معاهدات مکتوب بودند (عمر، ۲۰۱۰: ۱۰۰). این امر اهمیت نوشتن در اسناد و به عنوان یک مرجع قانونی را برجسته می‌کند و تضمین می‌کند که طرفین درگیر به شرایط توافق شده پایبند باشند. علاوه بر این، قرآن کریم حاوی آیاتی است که بر وفای به پیمان‌ها و عهد تأکید می‌کند ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مائده، ۱). ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ * إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء، ۳۴) به این ترتیب، خط عربی در آغاز اسلام جایگاه برجسته‌ای پیدا کرد.

در مورد گردآوری و تسوین قرآن کریم (زاده، ۲۰۱۵)، منابع و محققان نشان می‌دهند که آیات قرآن به صورت پراکنده بر روی برگ درختهای خرما، پوست حیوانات و حتی بر روی تکه‌هایی از استخوان شانه حیوانات نوشته شده است. بدین ترتیب در مورد گردآوری آن در یک جلد، بین مذاهب اهل سنت و شیعه اختلاف وجود دارد. روایات شیعه توضیح می‌دهد که امام علی (ع) اولین کسی بود که پس از وفات پیامبر اکرم (ص) به گردآوری قرآن کریم پرداخت و آن را با دست خود تدوین کرد و آیات آن را بر اساس ترتیب نزول تنظیم کرد. اما روایات اهل سنت و خاورشناسان بیان می‌کنند که گردآوری اولیه قرآن کریم در زمان ابوبکر آغاز شد، در حالی که برخی عقیده داشتند در زمان عمر بن خطاب بوده است و برخی دیگر می‌گویند که در زمان خلافت ابوبکر آغاز شد و در زمان خلافت عثمان انجام شده است.

در خصوص موضوع نقطه گذاری، دریافت شده که کلمه (نقاط) در اصطلاح دو معنای مشابه دارد. اول نقطه حروف است که همان نقطه که بر روی حروف می‌گذارند، تا بین آنچه در نوشتن مشابه است تفاوت قائل شود، مانند نقطه حرف (باء) با یک نقطه از پایین، نقطه حرف (ت) با دو نقطه از بالا و نقطه حرف (ث) با سه نقطه از بالا. دیگری نقطه (حرکات) یا نقطه مصوت‌های کوتاه است که همان نقطه حروف است تا بین مصوت‌های مختلف در تلفظ تفاوت قائل شود، مانند نقطه (فتحه) بالای حرف، نقطه (کسره) زیر حرف و نقطه (ضمه) جلوی حرف یا بین دو دست آن است. تقریباً اتفاق نظر بین محققان و بان‌شناسان وجود دارد که نقطه‌ها پس از اسلام، زمانی که زیادی از مردم وارد دین خدا شدند، معرفی شدند و شکل حروف برای آنها اشتباه گرفته شد (الدانی، ۱۹۸۶: ۲۶).

نمونه از نوشته های عرب حجاز قبل و پس از آغاز اسلام

در خزانه مأمون نامه ای بود از (عبدالمطلب بن هاشم) که بر پوست نوشته شده بود، گفته شده که خط آن مانند خط زنان بود یعنی بد تحریر شده بود (الندیم: ۳۷۷هـ: ۷-۸).

اثیری دیگر نامه ای از طرف حضرت رسول صلی الله علیه گرد اور شد. بخط نسخ قدیم و غیر زیبا که بعض حروف کوفی هم در آنست و بخط اصلی اسلامی شبیه است. و مهر مدور (محمد رسول الله) پای آن خورده است و سنگ قبر عبد الرحمن بن جبر هم که در مصر است همچنین بدو کج مج و کودکانه و ابتدائی است (ولفنسون، ۱۹۲۹: ۲۰۳).

تاریخ زبان های ایرانی

زبان عربی و فارسی از یک خانواده زبانی نیستند و از حیث صرفی و نحوی و دیگر مباحث زبانی تفاوت‌های زیادی دارند خانواده زبان فارسی هندواروپایی و خانواده زبان عربی سامی است (وفایی، ۱۳۹۱: ۲۵). مهمترین خطوط ایرانی از جهت تاریخی به سه دوره تقسیم میشوند:

۱. خطوط ایران باستان

خط میخی از چهار تا پنج هزار سال پیش از میلاد پیش سومریان ساکن جنوبی بین النهرین معروف بود. طوایف آشور و عیلام نیز همان خط را از سومریان گرفته اند و بکار بردند - این خط در حوالی (۱۷۰۰ق. م) در مرحله دوم و سوم بود که ایرانیان مادی هم آنرا گرفته و بکار بردند (بهار، ۱۳۴۹: ۶۱). زبان اوستایی از زبانهای شرقی فلات ایران است از آن جهت که کتاب دینی ایرانیان قدیم اوستا به آن زبان نوشته شده است اوستایی خوانده شده است و خطی را که اوستا به آن نوشته می شد اوستایی می خوانند. این زبان را به قرن ششم قبل از میلاد منتسب داشته اند آثار برجای مانده از این زبان عبارتند از: پیسنای، پشتها، ویسپرد، وندیداد و خرده اوستا (وفایی، ۱۳۹۱: ۲۷).

۱ - خطوط ایرانی میانه

خط پهلوی از خط آرامی استنباط است و خط آرامی در اصل منتهی میشود بدو خط باستانی که یکی فینیقی و دیگر عبری است فینیقیان که آنان را کنعانیان هم مینامند در حوالی سه هزار سال پیش از مسیح از سواحل خلیج فارس یا از داخله جزیره العرب به سواحل فرات منتقل شده اند و در آنجا رحل توطن افکندند و سپس از آنجا بطرف سوریه و فلسطین مسافرت کردند و در سواحل بحر ابیض دولتی تجارتی بوجود آوردند خط پهلوی و لهجه پهلوی بدو دسته منقسم گرداند. یکی خط و لهجه اشکانی که آنرا پهلوی شمالی می نامند و سابق پهلوی کلدانی می گفتند - دیگر خط و لهجه ساسانی که آنرا به پهلوی جنوب و جنوبی غربی شناخته شده. این دو قسم خط که با حروف مقطع نوشته میشده و گویا مختص کتیبه ها بوده است (بهار، ۱۳۴۹: ۷۰-۷۲).

۲ - خطوط ایرانی کنونی

تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در قرنهای اول تا سوم هجری مانع از به وجود آمدن آثار به زبان فارسی شده است. در این دوران بیشتر زبان عربی رواج یافت و دفتر و دیوان نیز به عربی بوده است (وفایی، ۱۳۹۱: ۳۱). برای تدوین زبان فارسی در قرون اول و دوم هجری از خط عربی که چند نشانه خاص آواهای ویژه فارسی به آن افزوده شده بود استفاده کردند. این زبان که به خط عربی تدوین شده در منابع به نام پارسی، فارسی، پارسی دری شناخته شده. کاربرد الفبای عربی در طول قرنهای تاریخی ادامه داشت، در زمان معاصر کوشش هایی که در سالهای ۳۰ قرن بیستم میلادی برای تغییر خط فارسی به لاتینی انجام شد به موفقیت نینجامید (آراسکی، ۱۳۷۸: ۱۰۳-۱۰۹). حروف هجا یا تهجی یا الفبای فارسی از زبان عربی گرفته شده است (طیبیان، ۱۳۹۱: ۳). خط فارسی از خط عربی گرفته شده و خط عربی از خط فینیقی اقتباس شده و فینیقی مانند عربی متعلق به خانواده زبانهای سامی است (صادقی / مقدم، ۱۳۹۴: ۵-۶).

اما هنر خط فارسی یکی از خطوطی است که به نام محل پیدایش آن نامگذاری شده است. قدیمی‌ترین متون نوشته شده با این خط به سال ۴۰۱ هجری قمری برمی‌گردد (بعلبکی، ۱۹۸۱: ۱۹۲). این خط، خطی زیبا است و توسط مردم ایران، افغانستان و هند استفاده می‌شود. اولین کسی که قواعد آن را وضع کرد، میرعلی سلطان تبریزی در قرن هشتم هجری بود و توسط عمادالدین شیراز و سلطان علی المهدی اصلاح شد. مشهورترین خوشنویسان اولیه که با این خط می‌نوشتند، نجم‌الدین ابوبکر راوندی و عمادعلی الحسنی القزوینی بودند (محمود، ۱۹۹۲: ۱۰۴). پیش از اسلام، ایرانیان با خط پهلوی می‌نوشتند که پس از استقرار عرب در ایران، خط عربی جایگزین آن شد. هنگامی که عرب در اوایل دوره اسلامی ایران را فتح کردند، خط کوفی را که در میان آنها رایج بود، با خود آوردند و ایرانیان آن را از آنها اقتباس کردند و چهار حرف فارسی به آن افزوده اند. سپس، در طول سال‌ها، خط کوفی جای خود را به خطوط شناخته شده فارسی داد (عباد، بی تا: ۶۲).

خطوط اصلی عرب دو خط کوفی و نسخ بوده است و از آن دو خط قلم‌های گوناگون به وجود آمد و بتدریج خط کوفی را به زوال نهاد و خطوطی بعد از قرن هفتم معمول بوده است (نسخ، ثلث، تعلیق، ریحانی، محقق، رقاع) و از این شش خط نیز بعدها اختراع شد (مقرمط، باریک، نستعلیق، شکسته) که آن به ایرانیان منسوب شده اند (بهار، ۱۳۴۹: ۹۷-۹۸).

تحليل داده‌ها و مقایسه با ادعاها

با مقایسه ادعاهای که در مقالات مطرح شده، با داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از کتاب‌ها و منابع علمی که در طول این تحقیق مورد بحث قرار گرفته‌اند، دیده می‌شود این ادعا که خط کوفی در ایران آفریده و برای نوشتن زبان عربی استفاده شده است، پس از تحقیق و بررسی منابع متعدد، نادرستی آن ثابت می‌شود. خط و الفبای کوفی ریشه عربی دارند و برای تدوین زبان فارسی به کار گرفته شده‌اند. به همین ترتیب، در مورد حروف (ث، ح، ط، ظ، ص، ض، ع، ق) که ادعا می‌شود توسط زبان‌شناسان ایرانی در دربار ساسانی برای کمک به مردم حیره در نوشتن زبان خود اختراع شده‌اند، بررسی در این زمینه توضیح می‌دهد که هیچ مبنای علمی یا مدرک مادی برای این ادعا وجود ندارد. این حروف بخشی از الفبای اصلی عربی هستند، چه قبل و چه بعد از نقطه گذاری حروف، و در زبان فارسی استفاده می‌شدند.

در مورد ادعای قایل عرب قبل از فتح ایران خط نمی‌دانستند، شواهد تاریخی بسیار و آشکار است، چه از عرب‌های حمیر که در جنوب شبه جزیره عربستان ساکن بودند و چه از عرب‌های شمالی بر اساس توالی تاریخی آنها: کنعانی، فنیقی، نبطی، انباری و حیری که به حجاز رسیدند. بیشتر این اقوام عرب خط و الفبایی داشتند که با آن می‌نوشتند و با توجه به کمبود آنچه از آن باقی مانده است، به وجود برخی از آنها اشاره شده است، مانند کتیبه ام‌الجمال که به سال ۲۵۰ میلادی، یا کتیبه نامارا به سال ۳۲۸ میلادی، و کتیبه زباد به سال ۵۱۲ میلادی برمی‌گیرند، و همچنین نسخه خطی چرمی که در خزانه المأمون یافت شد و روی آن (از عبدالمطلب بن هاشم) نوشته شده

بود. همه این نمونه‌هایی از شواهدی هستند که وجود خط را در میان عرب‌ها قبل از اسلام تأیید می‌کنند.

همچنین در منابع علمی آمده است که در اوایل اسلام تعدادی از نویسندگان با پیامبر بودند و همچنین ماجرای اسیران جنگ بدر که در آن ذکر شده است که پیامبر قول داد هر اسیری که به ده نفر از مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزد، آزاد خواهد شد تا اینکه تعداد نویسندگان در آغاز تاریخ اسلام به چهل کاتب رسید. همچنین آیاتی وجود دارد که پیامبر را به پایبندی به پیمان‌هایی که با کفار و یهودیان بسته بود و به صورت کتبی نوشته شده بود، ترغیب می‌کند و آیاتی که مسلمانان را به یادداشت بدهی‌های خود ترغیب می‌کند. همه این دلایل ثابت می‌کند که تدوین در زمان پیامبر وجود داشت، و توصیه‌ها به رعایت آن ادامه داشته است.

در مورد تدوین قرآن کریم در دوران پیامبر، آیات هنگام نزول به صورت جداگانه روی برگ درخت‌های خرما، پوست حیوانات و روی پاره‌ای از استخوان‌های شانه حیوانات تدوین می‌شدند و فرصتی برای جمع‌آوری قرآن کریم در زمان ایشان در یک کتاب نشده است.

اما در مورد گردآوری قرآن پس از وفات پیامبر، علمای شیعه و سنی نظرات متفاوتی دارند. شیعیان معتقدند که امام علی (علیه السلام) بلافاصله پس از وفات پیامبر، طبق وصیت ایشان عمل کرد و آن را با دست خود تدوین و آیات آن را بر اساس ترتیب نزول مرتب کرد. اما علمای سنی و خاورشناسان نظرات متفاوتی دارند. بعضی می‌گویند قرآن در دوران ابوبکر گردآوری شده است، برخی دیگر در دوران عثمان، و نظر دیگری می‌گویند که در دوران ابوبکر آغاز و در زمان عثمان انجام شده. همه اینها شواهدی است که نشان می‌دهد تدوین در دوران پیامبر و پس از وفات ایشان وجود داشته است و این ادعا را که عرب‌های حجاز بی‌سواد بودند و پس از فتح ایران، تدوین را از ایرانیان آموختند تا در زمان عثمان آیات را بنویسند و قرآن را گردآوری کنند، رد می‌کند.

منابع نشان می‌دهند که نبطی‌ها خط خود را از آرامی‌ها که همگی از اقوام سامی بودند، استنباط کردند. هیچ مدرک تاریخی وجود ندارد که نشان دهد نبطی‌ها الفبای خود را از ایرانیان اقتباس کرده‌اند یا تحت تأثیر نوعی از الفبای فارسی باستان قرار گرفته‌اند. برعکس، خط پهلوی از خط آرامی گرفته شده است که خود از خط فنیقی-کنعانی با منشأ سامی اقتباس شده است. این مدرک، این ادعا را که نبطی‌ها تدوین را از ایرانیان آموخته‌اند، رد می‌کند.

در مورد الفبای فارسی کنونی، مشاهده می‌شود که پس از اصلاح آن و نقطه‌گذاری حروف برای تمایز، شبیه به شکل نهایی الفبای عربی است. در منابع علمی آمده است که ایرانیان الفبای عربی را اقتباس کردند، چهار حرف فارسی ایجاد کردند و آنها را متناسب با زبان خود افزودند و متعاقباً از آنها برای تدوین زبان خود استفاده کردند. این ادعا را که عرب الفبای فارسی را اقتباس کرده و آن برای نوشتن زبان خود بکار بردند، رد می‌کند.

از آنچه در بالا ذکر شد، مشخص است که سره‌گرایان مقالات خود را بدون تکیه بر شواهد و منابع علمی می‌نوشتند و به نظر می‌رسد که آنها فراتر از نشان دادن احساسات و تمایل متعصبانه خود علیه زبان عربی و تأثیر آن بر زبان فارسی نرفته‌اند.

نتیجه گیری

بنا بر اطلاعات جمع‌آوری‌شده از منابع علمی و شواهد تاریخی، این تحقیق به عده ای از نتایجی رسیده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

جنبش سره‌گرایی ایرانی تحت تأثیر تفکر ملی‌گرایی آلمانی قرار گرفت و ایرانیان را به تلاش برای پاکسازی زبان خود از تأثیر زبان‌های بیگانه، به‌ویژه عربی، به دلیل ارتباط آن با مسائل سیاسی و مذهبی سوق داد.

خط و الفبای کوفی ریشه عربی دارد و برای تدوین زبان فارسی پذیرفته شده‌اند. علاوه بر این، حروف (ث، ح، ط، ظ، ص، ض، ع، ق) بخشی از الفبای اصلی عربی هستند، چه قبل و چه بعد از نقطه گذاری، و در زبان فارسی بکار می‌برند.

همچنین شواهد تاریخی بسیار و روشنی وجود دارد، چه از عرب‌های حمیری در جنوب عربستان و چه از عرب‌های شمالی، بر اساس توالی تاریخی آن‌ها: کنعانی، فنیقی، نبطی، انباری و حیری که به حجاز رسیدند. اکثر این اقوام عرب خط و الفبا داشتند، اگرچه مقدار کمی از آن باقی مانده. ثابت شده است که خط در زمان پیامبر اکرم (ص) وجود داشته و آیات قرآن کریم در طول حیات ایشان به صورت جداگانه نوشته می‌شد. همچنین ثابت شده است که قرآن کریم پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، یا توسط امام علی (ع) یا طبق روایات اهل سنت و مستشرقان، پس از تکمیل آن، گردآوری شده است. این کتاب قبل از نقطه گذاری حروف، یعنی قبل از استفاده از الفبای عربی برای تدوین زبان فارسی، به خط عربی نوشته شده است.

علاوه بر این، در این مطالعه به این نتیجه می‌رسد که نبطی‌ها خط خود را از آرامی‌ها اقتباس کرده‌اند و هر دو از اقوام سامی بوده‌اند. هیچ منبع تاریخی مبنی بر اینکه نبطی‌ها الفبای خود را از ایرانیان اقتباس کرده‌اند یا تحت تأثیر هر نوع الفبای فارسی قدیم قرار گرفته‌اند، یافت نشد. برعکس، خط پهلوی از خط آرامی گرفته شده است که خود از خط سامی فنیقی-کنعانی استنباط کرده.

مشاهده می‌شود که الفبای فارسی کنونی شبیه به شکل نهایی الفبای عربی پس از اصلاح آن و نقطه‌گذاری حروف برای تمایز آن است. علاوه بر این، ایرانیان الفبای عربی را اقتباس کردند، چهار حرف فارسی افزودند و آنها را متناسب با زبان خود اضافه کردند. سپس به تدوین زبان خود با کاربرد این حروف پرداختند و سبک‌های جدیدی از خط عربی باستانی، مانند کوفی و نسخ را توسعه دادند.

مشخص است که سره‌گرایان مقالات خود را بدون تکیه بر شواهد و منابع علمی می‌نوشتند و به نظر می‌رسد که آنها فراتر از نشان دادن احساسات و تمایل متعصبانه خود علیه زبان عربی و تأثیر آن بر زبان فارسی نرفته‌اند.

فهرست منابع

قرآن کریم

منابع فارسی

- آراسکی، یوسف. ترجمه دکتر علی اشرف صادقی. زبانهای ایرانی. انتشارات سخن. تهران. ۱۳۷۸.
- بهار، محمد تقی. سبک شناسی. انتشارات امیر کبیر. ج ۱. تهران. ۱۳۴۹.
- بهروز، اکبر. تاریخ ادبیات عرب. نشر دانشگاه تبریز. ۱۳۵۹.
- حق بین، فریده. زبان شناسی ایرانی. نشر مرکز تهران. ۱۳۹۲.
- صادقی، علی اشرف/ زهرا زندی مقدم. فرهنگ املائی خط فارسی. نشر آثار. تهران. ۱۳۹۴.
- طبیبیان، سید حمید. برابره‌های دستوری در عربی و فارسی. نشر پژوهشگاه علوم انسانی. تهران. ۱۳۹۱.
- قیصری، ابراهیم/ محمد دهقانی. فارسی عمومی. نشر جامی. تهران. ۱۳۸۹.
- وفایی، عباسعلی. دستور تطبیقی فارسی عربی. انتشارات سخن. تهران. ۱۳۹۱.

منابع عربی

- ابن الندیم، أبو الفرج محمد بن أبي يعقوب المعروف بالوراق. (ت 384هـ). تحقیق: رضا تجدد بن علی بن زین العابدین. الفهرست. 1971م.
- ابن فارس، أحمد (ت 395). تعليق احمد حسن. الصاحبي في فقه اللغة العربية ومسائلها وسنن العرب في كلامها. دار الكتب العلمية. بيروت. 1997م.
- الجبوري، كامل سليمان. أصول الخط العربي. ط 1. دار ومكتبة الهلال. بيروت. 2000م.
- الداني، أبي عمرو. تحقيق د عزة حسن. المحكم في نقط المصاحف. ط 2. دار الفكر سوريا. 1986م.

- القلقشندي ، احمد بن علي (ت 821). تحقيق محمود سلامة دار الفكر. صبح الأعشى. دمشق. 1406هـ.
- أولمان، ستيفن. ترجمة دكمال بشر. دور الكلمة في اللغة. ط 10. مكتبة الشباب. 1986م.
- بعلبكي، رمزي. الكتابة العربية والسامية. ط1. دار العلم للملايين بيروت 1981م.
- جمعة، إبراهيم. دراسة في تطور الكتابات الكوفيّة. دار الفكر العربي، القاهرة. 1969.
- زيدان، جرجي. الفلسفة اللغوية. ط 1. دار الجيل. بيروت. 1982.
- عبادة، عبد الفتاح. انتشار الخط العربي. ط2. الكليات الأزهرية. بدون تاريخ.
- علي، جواد. تاريخ العرب قبل الإسلام. مطبعة التفيض. بغداد. 1950.
- محمد، على ابراهيم. تاريخ الكتابة العربية. ط1. دار المشرق العربي. 2018.
- محمود، عبد الله ربيع. في علم الكتابة العربية. ط1. 1992م
- نامي، خليل يحيى. أصل الخط العربي وتاريخ تطوره إلى ما قبل الإسلام. مطبعة بول باربيه. 1935م.
- نصار، حسين. نشأة الكتابة الفنية عند العرب. مكتبة النهضة المصرية. القاهرة. 1954.
- ولفنسون، اسرائيل. تاريخ اللغات السامية. ط1. القاهرة. 1929.
- وافي، علي عبد الواحد. فقه اللغة. ط. 2، القاهرة، 1944.
- القيسي، ناهض عبد الرزاق. تاريخ الخطّ العربي. ط1. دار المناهج للنشر والتوزيع. عمان. 2008.

پایان نامه ها

- عمر، عبد المجيد الطيب. (منزلة لغة العربية بين اللغات المعاصرة). رساله دكتوراة. كلية اللغة العربية. جامعة ام درمان الاسلامية. السودان. 2010.

وبسایت ها

- ايران مهر، مهرداد. «خط ما فارسی است یا عربی». (نوشتر ایرانی فرهنگ و تاریخ اجتماعی ایرانیان) ۱۳۹۲/۰۶/۳۰

- خراسانی، شمشاد امیری. «حروف عربی یا ایرانی». (پارسیان دژ) ۱۹/۰۷/۱۴۰۴
- مسلمی، آیدن پور. «خط ما دبیره پارسی یا الفبای عربی». (پارسی انجمن در پاسداری و پالایش زان فارسی). ۰۹/۰۸/۱۳۹۲.
- مهرآبادی، فرهاد. «زبان فارسی؛ آیا خط و زبان ما از لغات عربی ساخته شده است؟!». (قچر تایم) ۰۸/۱۱/۱۴۰۱.

مقالات فارسی

- اردکانی، نگار داوری. «نگاهی زبان شناختی به پدیده سره گرایی». مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان شناسی ایران. ۱۳۸۶.
- اصیل، حجت الله. «سره نویسی». فرهنگنامه ادبی فارسی (دانشنامه ادب فارسی). به سرپرستی حسن آنوشه، جلد ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۷۶.
- عطفی، علی اکبر/ منیژه افرازنده. «سره گرایی در تاریخ ادب فارسی». (مجله تاریخ ادبیات). ۱۳۹۰.

مقالات عربی

- زاده، عیسی متقی. «جمع القرآن من قبل النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) والإمام علی (علیه السلام) من وجهة نظر المستشرقین وأهل السنة». (مجله دراسات استشرافية). 2015.

استخدام الحروف العربية في كتابة اللغة الفارسية في نظر المحافظين الإيرانيين

المستخلص

سلط هذا البحث الضوء على المقالات المنشورة على المواقع الالكترونية التي كتبها المحافظين الإيرانيين والتي ينكرون فيها استخدام الابجدية العربية في كتابة اللغة الفارسية الحديثة عن طريق طرح افكار ونظريات يدعمون بها هذا الادعاء. في بداية هذا البحث تم عرض تعريف عن المحافظين الإيرانيين و توجهاتهم و انواع افكارهم و من ثم تم بيان منبع فكرهم و سبب نشأة هذا التوجه. و تم طرح خلاصة لمناذج من مقالاتهم المنشورة في هذا الموضوع مع التركيز اهم ادعاءاتهم. و بعدها تناول الباحث تاريخ نشأة الخط و الابجدية العربية مع تدعيمها بالادلة العلمية و توضيح الراء حول اصول الكتابة العربية و تطورها قبل الاسلام و بعد ذلك بيان الادلة على وجود الكتابة في زمن النبي الاكرم (ص) و جمع القرآن الكريم و اسباب تنقيط الحروف العربية و تشكيل النصوص. و بعد ذلك انتقال الخط العربي الى الفرس و استخدامه في تدوين لغتهم، سابقا ذلك بتوضيح مختصر عن اصول اللغة الفارسية و مراحل تطور الكتابة و انواعها لدى الفرس وصولا الى الفتح الاسلامي لبلاد فارس و استخدام الخط العربي و تطويره من جانب الفرس و ابتداء نماذج جيدة منه. من ثم قام الباحث بتحليل جميع هذه المطالب و مطابقتها مع الادعاءات المذكورة في المقالات و مناقشتها و رد الراء المطروحة التي اتضح ان اغلبها لم تكن مبنية على اساس علمي او مستند الى دليل ملموس. حيث اعتمد الباحث على مناهج البحث الوصفي التاريخي و التقابلي و التحليلي و خلص الى نتائج عدة تم ذكرها في ختام هذا البحث.

الكلمات المفتاحية: الحروف العربية، تدوين الفارسية، المحافظين الإيرانيين.